

مرور زمان اسناد تجاری

قبل از ورود در این بحث بسیار بعورده است که تعریف مرور زمان و ماهیت آنرا اجمالاً مورد بررسی قرار دهیم :

در حقوق فعلی اروپا دو نوع مرور زمان وجود دارد : مملکت ، یا مدتی که پس از آن متصرف مالک عین متعلق بغير میشود و مسقط که بعد از آن حق دائن بعلت سکوت او ساقط میگردد . تشخیص این دو قسم مرور زمان در ماده ۲۲۱۹ قانون مدنی فرانسه بنحو بارزی عملی گردیده است .

در حقوق مدنی ایران ، این بحث ابتدا ، در قانون ۲۱ بهمن ماه ۳۰۶ و قانون تیرماه ۳۰۸ و پس از آن در مواد ۷۳۱ الی ۷۳۹ قانون آئین دادرسی مدنی بتقلید از حقوق اروپائی عنوان شده و فعلاً تنها منبع قانونی مرور زمان محسوب میشود . بموجب ماده ۷۳۱ قانون مزبور « مرور زمان عبارت از مدتی است که بموجب قانون پس از انقضای آن مدت دعوی شنیده نمیشود . » و بنابراین مرور زمان دارای دو خاصیت اساسی است : یعنی اولاً مرور زمان در حقوق ایران مسقط دعوی است و پس از آن دعوی بهیچوجه شنیده نخواهد شد و نمیتوان مرور زمانرا ناظر بامتيازات و خواص دعاوی اقامه شده دانست ثانیاً مرور زمان امری است استثنائی و باید بطور محدود تفسیر شود^۱ .

موضوع بحث در اینجا طرز اجراء مواد ۳۱۸ و ۳۱۹ از نظر قضائی است که تحت عنوان مرور زمان برات و فته طلب و چک در قانون تجارت نوشته شده و بعلت مختصر ابهامی که در متن آنها وجود دارد ، بحث زیادیرا بین قضات محاکم و حقوقیین ایجاد کرده است . ضمناً برای اینکه موضوع کاملاً روشن شود بمواردیکه حق مراجعه دارنده برات بظهر نویسان و صادر کننده ساقط میشود اشاره خواهد شد .

قبل از ورود درباره نظرات مختلفی که در این باره وجود دارد باید برای تشعید ذهن عین مواد ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون تجارت مورد مطالعه واقع شود :

ماده ۳۱۸ « دعاوی راجعه ببرات و فته طلب و چک که از طرف تجار یا برای امور تجارتي صادر شده پس از انقضای پنج سال از تاریخ صدور اعتراضنامه و یا آخرین تعقیب قضائی در محاکم مسموع نخواهد بود مگر اینکه در طرف این مدت رسماً اقرار بدین واقع شده باشد که در اینصورت مبداء مرور زمان از تاریخ اقرار محسوب است - در صورت عدم اعتراض مدت مرور زمان از تاریخ انقضای مهلت اعتراض شروع میشود تبصره - مفاد این ماده در مورد برات و چک و فته طلب هائی که قبل از تاریخ اجرای

(۱) برای توضیح بیشتر بمقاله نگارنده تحت عنوان مرور زمان و اجرای اسناد رسمی

در شماره ۴۲ مجله کانون و کلاه مراجعه شود .

مرور زمان اسناد تجاری

قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ صادر شده است قابل اجرا نبوده و این اسناد از حیث مرور زمان تابع مقررات مربوطه بمرور زمان راجع باموال منقوله است .

ماده ۳۱۹ « اگر وجه برات یافته طلب یا چک را نتوان بواسطه حصول مرور زمان پنج ساله مطالبه کرد . دارنده برات یافته طلب یا چک میتواند تا حصول مرور زمان اموال منقوله وجه آنرا از کسی که بضرر او استفاده بلاجهت کرده است مطالبه نماید تبصره - حکم فوق در موردی نیز جاری است که برات یافته طلب یا چک یکی از شرایط اساسی مقرر در این قانون را فاقد باشد . »

درباره اجراء مواد مزبور وتلفیق آنها بطوریکه از رویه قضائی و آراء محاکم مستفاد میشود سه نظریه بوجود آمده است که ابتداء این سه نظر را تشریح و ایرادات وارده بر هر یک را بیان کرده پس از آن به بیان موضوع و تحقیقی که از مواد مزبور نموده ایم خواهیم پرداخت .

دسته اول - بعضی عقیده دارند که مواد ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون تجارت فقط ناظر بموردی است که برات یافته طلب و یا چک از طرف دارنده و یا یکی از ابدای ماقبل او بعلمت عدم تأدیه اعتراض شده باشد ، در صورت عدم اعتراض ، سند تابع مرور زمان مربوطه بخود میباشد . برای نمونه دو رأی صادره از دیوان کشور عیناً نقل میشود :

۱ - حکم شماره ۲۲۰ مورخه ۱۸/۲/۱۷ شعبه اول دیوان کشور : « با توجه بمواد ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون تجارت در صورتیکه نسبت ببرات و قته طلب و چک و اخواست نشده باشد اقامه دعوی در دادگاهها مانعی نخواهد داشت . فقط مزایای ماده ۲۹۲ قانون مزبور بر آنها مترتب نخواهد بود . »

۲ - حکم شماره ۳۷۵۱ - ۱۱۰۹ مورخه ۲۴ آبانماه ۱۳۱۰ و شش رأی دیگر « فته طلب مادامیکه طرف اعتراض واقع نشده است . مشمول مرور زمان مذکور در ماده ۳۱۸ قانون تجارت نخواهد بود و دعاوی راجعه بآن وهمچنین برات از تاریخ پروتست و یا آخرین تعقیب قضائی است وبدون پروتست مرور زمان شروع نمیشود - بتعبیر دیگر ماده فوق وقتی مصداق پیدا میکند که قبلاً اعتراض و یا تعقیبی شده و از آن تاریخ بعد پنجسال گذشته باشد اما اگر اصلاً اعتراضی نشده و یا تعقیب قضائی بعمل نیامده موردی برای استناد بماده مزبور نیست . »

عیب مشترك این دو رأی آنستکه شروع مرور زمانرا از تاریخ پروتست معین کرده اند حکم شماره ۳۷۵۱ که ظاهراً مستدل تر صادر شده شروع مرور زمان را موکول بتعقیب قضائی و یا پروتست میدانند و استدلال میکنند که چون مبدأ مرور زمان در ماده ۳۱۸ در امر فوق معین شده ، بنابراین در سایر موارد اساساً مرور زمان شروع نمیشود و حال آنکه از طرز انشاء ماده ۳۱۸ و با توجه بقسمت اخیر ماده مزبور که میگوید « در صورت عدم اعتراض مدت مرور زمان از تاریخ انقضاء مهلت اعتراض شروع میشود . » بخوبی

مرور زمان اسناد تجاری

آئین دادرسی برمیآید ، مرور زمان مسقط دعوی است. و بنابراین طبع آن باقیاء حق اقامه دعوی پس از مدت مقرر مبنایت دارد و علاوه بر اینکه پس از سقوط دعوی منطقی نیست که امتیازات سندرا ملغی الاثر وحق اقامه دعوی را باقی بدانیم ، امتیازات اسناد تجاری مزبور از جمله امتیاز مقرر در ماده ۲۹۲ و مسئولیت ظهر نویسها ، بعد از انقضای مهلت اعتراض و اقامه دعوی از بین خواهد رفت. و امتیازی باقی نماند که مرور زمان پنج ساله آنرا از بین میبرد.

برای نمونه حکم شماره ۲۷۳ شعبه اول دیوان کشور مورخه ۲۸/۸/۲۰ که متضرر بلا جهت را وکیل مدیون و طلبکار از محال علیه معرفی نموده عیناً نقل میشود :

« مقصود از وضع مادتين ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون تجارت آنستکه دعاویکه مستقیماً از برات و قته طلب و چك ناشی میشود ، یعنی دعوی دارنده بر گهای مزبور و جانشین او بر قبول کننده و صادر کننده و ظهر نویس هر ظهر نویس ماقبل خود پس از انقضای مدت پنج سال در دادگاه مسموع نیست ، ولی اگر کسی بر گهای مزبور را بدیگری برای وصول و یا ایصال وجه آن داده و یا شخصی بمحال علیه وجهی برای پرداخت برات و قته طلب و چك قرض داده و همچنین محلی که وجه حواله را بمحال علیه رسانیده و یا در نزد او محل داشته و با این عمل در پرداخت وجه امتناع نموده باشد ، هر چند دعوی بروکیل مدیون و محال علیه در این مورد نیز ظاهراً ناشی از قته طلب و برات و چك میباشد ، ولی چون اشخاص مزبور از اوراق مذکوره استفاده بلا جهت نموده اند. مرور زمان پنجسال در آن جاری نیست ، بلکه مدت مرور زمان در این قبیل دعاوی (دعوی بر وکیل و مدیون و محال علیه که در نزد او وجه بوده) همان مرور زمان اموال منقوله است. » رأی مزبور چنانچه بعداً گفته خواهد شد از اینجهت که دعاوی نامبرده را مسمول مرور زمان پنجساله نمیداند کاملاً صحیح است ولی از اینجهت که وکیل و مدیون را متضرر بلا جهت تشخیص داده قابل انتقاد است ، زیرا دیون این دعاوی اساساً ناشی از برات و قته طلب و چك نیست تا مسمول ماده ۳۱۸ قانون تجارت گردد.

دسته چهارم - عده هم عقیده دارند که احکام ماده ۳۱۸ و ۳۱۹ با هم مخالفت دارد و ماده ۳۱۹ که وارد بر ماده سابق است باید اجراء شود و برای رد عقیده مزبور تصور نمیشود که احتیاجی باستدلال باشد. برای روشن شدن موضوع و تشخیص صحت و سقم آراء صادره مطالعه مباحث زیر بنظر ضروری میرسد: (۱)

۱ - ماده ۳۱۸ قانون تجارت تقریباً ترجمه از ماده ۱۸۹ قانون تجارت فرانسه میباشد که متن آن عیناً نقل میشود

Art 189. Toutes actions relatives aux lettres de change et à ceux des billets à ordre souscrits par des négociants, marchands ou banquiers ou pour faits de commerce, se prescrivent par cinq ans à compter du jour du protêt ou de la dernière poursuite juridique, s'il n'y a eu condamnation ou si la dette n'a été reconnue par acte séparé.

در قوانین سایر کشورها نیز مرور زمان اسناد تجاری مورد قبول قرار گرفته است: رجوع شود بماده ۹۱۹ کد ایتالیا و ماده ۳۳۹ قانون پرتغال و ماده ۷۹۱ قانون شیلی و ماده ۹۰۰ قانون تجارت آلمان .

مرور زمان اسناد تجاری

- ۱- اسنادیکه مشمول ماده ۳۱۸ قانون تجارت میباشد کدام است؟
- ۲- در چه دعاوی ماده ۳۱۸ باید مورد استناد قرار گیرد؟
- ۳- مرور زمان از چه تاریخی شروع میشود؟
- ۴- در دعاوی مشمول ماده ۳۱۸ مدعی و مدعی علیه چه کسانی میتوانند باشند؟
- ۵- چه عللی ممکن است موجب قطع این مرور زمان شود؟
- ۶- چه عللی موجب تعلیق مرور زمان مزبور میگردد؟
- ۷- اثر این مرور زمان چیست و چگونه باید مواد ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون تجارت با یکدیگر تلفیق شود؟

۱- اسنادیکه مشمول ماده ۳۱۸ میباشد - بموجب ماده ۳۱۸ اسناد زیر مشمول مرور زمان پنجساله میباشد: اسنادیکه از طرف تاجر صادر شده باشند، اسنادیکه برای امور تجاری صادر شده باشند. بنابراین برای آنکه برات یافته طلب یا چک مشمول مرور زمان پنجساله باشد، باید یا از طرف تاجر صادر شده، و یا برای امور تجاری باشد در اینموضوع دو نکته اساسی قابل توجه است:

اولاً - قانونگذار ایران در ماده ۳۱۸، برات فته طلب و چک را در ردیف یکدیگر مورد مطالعه قرار داده است و حال آنکه با توجه بشق ۸ از ماده دوم قانون تجارت که معاملات پرواتی را مطلقاً جزء عملیات تجاری محسوب داشته، فرض براتی که برای امور غیر تجاری باشد مورد ندارد. بنابراین حق بود که تعریف قانون فقط بفته طلب و چک اختصاص پیدا میکرد، چنانچه در ماده ۱۸۹ قانون تجارت فرانسه نیز بطوریکه از ظاهر عبارت آن مستفاد میشود، برات از سایر اوراق تجاری تفکیک شده است و رأی مورخه چهارم دسامبر ۱۸۷۸ دیوانکشور فرانسه نیز مؤید این مطلب میباشد.

معدلک شعبه ششم دیوانکشور با توجه بظاهر ماده ۳۱۸ ضمن حکم شماره ۵۴۰ - ۲۷/۴/۵ میگوید « با ملاحظه ماده ۳۱۹ قانون تجارت و ماده سابق و تبصره آن معلوم است که ماده ۳۱۹ مربوط باوراق تجاری است نه برات فته طلب و چک غیر عادی.»

ثانیاً - ماده ۳۱۸ بطور کلی اسنادی را که از طرف تاجر صادر شده باشد، مشمول مرور زمان پنجساله میداند، اعم از اینکه مربوط با امور تجاری و یا غیر تجاری باشد شاید فرض این بوده که اوراق مزبور ظاهراً تجاری است، چنانچه در بعضی از دادگاههای فرانسه نیز بماده که در مورد صلاحیت دادگاهها دارند استناد نموده، فرض مزبور را تا موقعی قابل ترتیب اثر میدانند که خلاف آن اثبات نشده باشد. ولی چون در قانون ایران چنین ماده وجود ندارد، بر طبق نص صریح ماده ۳۱۸ کلیه اوراقی که از طرف تاجر صادر شده باشد، مشمول مرور زمان پنجساله است.

۱- در رویه های قضائی فرانسه نیز در اینموضوع اختلاف نظر وجود دارد چنانچه رأی مورخه ۱۸ مارس ۱۸۹۰ دیوانکشور فرانسه ماده ۱۸۹ را فقط در مورد برات تجاری قایل اعمال دانسته است.

مرور زمان اسناد تجاری

با وجود این حکم شماره ۳۳۵۸ - ۲۸/۱۱/۲۸ - بشعبه اول دیوان کشور ماده ۳۱۸ را اختصاص باوراتی داده که بین تجار و در امور تجاری صادر شده باشد. و از این لحاظ برویه قضائی دادگاههای فرانسه از حیث نتیجه شباهت دارد.

« مطابق ماده ۳۱۸ قانون تجارت ، مدت مرور زمان طلب بین تجار و در امور تجاری پنجسال است نه مطابق اسناد و قبوض راجع بدیون که مطابق ماده ۷۴۱ قانون آئین دادرسی مدنی مدت مرور زمان آن ده سال مقرر گردیده است. »

۲ - دعاوی مشمول مرور زمان پنجساله - ماده ۳۱۸ قانون تجارت تا اندازه مهم و کش دار است ، لذا میتوان استدلال نمود که تمام دعاوی مربوط باوراق تجاری را شامل میشود . ولی معذک نباید تصور شود که تمام دعاوی که مستقیماً بسبب برات و فته طلب و چک ایجاد شده مشمول مرور زمان پنجساله میباشد ، بلکه ماده مزبور چنانکه از سیاق عبارت آن نیز تا اندازه مستفاد میشود ، فقط ناظر بدعاوی است که مستقیماً از اوراق مزبور ناشی میشود ، مانند دعاوی دارنده برات یا قائم مقام او بر علیه قبول کننده و صادرکننده و یا ظهر نویسان برات و بطور خلاصه دعاوی بین امضاکنندگان اوراق تجاری .

بنا بر مراتب مزبور اگر کسی بانکی را مأمور کرده باشد که محل برات را برساند و یا شخصی بدیگری مقداری قرض بدهد ، برای آنکه برات بعهده خود را بپردازد دعاوی بین بانک و آمر و بین مقرض و متقرض گرچه بطور غیر مستقیم برای پرداخت برات ایجاد شده ، ولی چون ناشی از برات و بین امضاءکنندگان آن نمیشد ، مشمول مرور زمان مربوط بخود خواهد بود و ارتباطی بماده ۳۱۸ ندارد.

مصادیق مشکوک - حکم کلی و ضابطه برای تشخیص دعاویکه مشمول ماده ۳۱۸ میباشد ، در فوق بیان گردیده ولی باوجود این درعمل مواردی ممکن است اتفاق افتد که اعمال قاعده مزبور در آن موارد خالی از اشکال نباشد لذا ذیلاً مصادیق مهمی را که مورد تردید علماء واقع شده و مباحثی را ایجاد کرده است مطالعه میکنیم :

الف - بموجب قانون تجارت ، صادرکننده براتی که محل آنرا در نزد محال علیه تهیه کرده بوده است ، میتواند در صورت عدم تأدیه و اعتراض ، بر علیه محال علیه اقامه دعوی نموده وجهی را که پرداخته است مطالبه نماید .

ممکن است استدلال شود که دعوی مزبور دیگر ناشی از ورقه برات نیست بلکه ناشی از آنست که محال علیه وظیفه خود را در برابر صادرکننده انجام نداده و وجهی که در نزد او داشته بموقع نپرداخته است و در حقیقت وکیلی است که در مقابل موکل خود در حدود وظایف خود مسئول میباشد. (۱)

بالعکس میتوان استدلال کرد که رابطه وکالت بین صادرکننده و محال علیه وجود

۱ - از حقوقین فرانسه پوتیر Pothier و باوار Bavard از عقیده مزبور پیروی کرده اند .

مرور زمان اسناد تجاری

ندارد و بالنتیجه دعوی صادرکننده بر محال‌علیه نیز ناشی از این رابطه وکالت نیست بلکه مسئولیت محال‌علیه ناشی از قبولی براتی است که بنفع دیگری صادر شده بنابراین اگر صادرکننده بعلتی مجبور پرداخت وجه برات شده باشد، با پرداخت مزبور قائم‌مقام دارنده برات گردیده و برطبق ورقه مزبور دعوائی برعلیه محال‌علیه اقامه نموده است که مشمول ماده ۳۱۸ خواهد بود.

استدلال اخیر بر فرض قبول رابطه وکالت مزبور بنظر ما منطقی‌تر می‌رسد زیرا از نظر تحلیل حقوقی، پس از قبول برات، تعهد جدید محال‌علیه در مقابل دارنده برات، جانشین تعهد سابق او در مقابل صادرکننده می‌گردد؛ بعبارة دیگر پس از قبولی برات، برطبق اصول عمومی ذمه محال‌علیه در اثر قبول دین در مقابل صادرکننده بری می‌شود. بنابراین دعوی محیل، دیگر ناشی از تعهد سابق محال‌علیه نمی‌باشد بلکه بقائم‌مقامی دارنده برات اقامه شده و ناشیه از ورقه تجاری است.

ب- دعوی محال‌علیه بر صادرکننده - باید دید اگر محال‌علیه وجه براتی را که محیل برای او فراهم نکرده است پردازد، در این مورد دعوی او برعلیه صادرکننده دعوی ناشیه از برات محسوب می‌شود یا نه؟

از طرفی ممکن است استدلال شود که دین محیل بمحال‌علیه، در نتیجه اجرای وکالتی که او بمناسبت برات برعهده گرفته بوجود آمده است و بنابراین مستقیماً مربوط و ناشی از برات می‌باشد و باضافه محال‌علیه پس از پرداخت قائم‌مقام دارنده برات می‌گردد و دعوی دارنده برات برعلیه متعهدین آن مشمول مرور زمان پنجساله می‌باشد.

از طرف دیگر میتوان گفت که برات بعد از پرداخت متعهد اصلی آن (محال‌علیه) خاصیت اصلی خود را از دست می‌دهد و پس از آن براتی وجود ندارد تا دعوی محال‌علیه بر صادرکننده، ناشیه از برات و مشمول ماده ۳۱۸ قانون تجارت باشد. این استدلال در دادگاههای فرانسه طرفدار زیادتری دارد و بنظر صحیح‌تر می‌رسد.

ج- دعوی ضامن - در اجرای قواعدی که گفته شد چنین بنظر می‌رسد که مرور زمان پنج ساله، دعوی ضامن را نیز قطع می‌کند. اعم از اینکه دعوی برعلیه مضمون‌عنه و یا ضامن دیگر او اقامه شده باشد؛ زیرا در این مورد تعهدات ضامن برطبق قانون تجارت معین شده، و بنابراین طبیعی است که حقوق وی نیز باید بوسیله قانون تجارت تعیین گردد. باوجود این عده از حقوقدانان فرانسوی از جمله **تالر Thaller** و **پرسرو Perceyrou** عقیده دارند که در این مسأله باید راه حل وسطی را انتخاب نمود: بدین طریق که مرور زمان، دعوی ضامن را برضامین دیگر که رابطه‌شان ناشی از ورقه تجاری است باید قطع کند، و بالعکس در رابطه ضامن با مضمون‌عنه خود قانون مدنی حکمفرما باشد.

۳- تاریخ شروع مرور زمان. **Point du dupart de la prescription** در حقوق تجارت فرانسه مرور زمان اسناد تجاری از روز پروتست یا آخرین تعقیب قضائی شروع می‌شود. البته ماده ۱۸۹ صریحاً تکلیف موردبراکه ورقه تجاری پروتست

مرور زمان اسناد تجاری

نشده باشد معین نکرده، ولی رویه قضائی محاکم و عقاید علماء حقوق، نقص مزبور را جبران نموده است و بموجب رویه مزبور، برات و فته طلب و چک و لوکه پروتست نشده باشد مشمول مرور مان پنجساله میباشد (رجوع شود برای مورخه شانزدهم نوامبر ۱۸۵۳ دیوان کشور)

این رویه که کاسلاً منطقی و منطبق با عدالت بنظر میرسد، در ماده ۳۱۸ قانون تجارت بعبارت زیر تسجيل شده است: « در صورت عدم اعتراض مدت مرور زمان از تاریخ انقضای مهلت اعتراض شروع میشود ». و بدیهی است که نباید دارنده براتی که بتکلیف خود عمل نموده و یا بموقع وظایف خود را انجام نداده است، مورد حمایت بیشتر قانون قرار گیرد و از این اهمال خود سوء استفاده نماید.

